

جامعه‌شناسی خواص و نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی

یعقوب توکلی*

الهه خانی‌آرانی**

چکیده

با یک نگاه تاریخی و جامعه‌شناختی می‌توان گفت، در هر جامعه‌ای دو گروه خواص (نخبگان) و عوام (توده‌های مردمی) منشأ تحولات تاریخی در دوره‌های مختلف بوده‌اند؛ به گونه‌ای که هر پدیده تاریخی، حاصل نوع عملکرد این دو گروه و تعامل آنهاست. اما با توجه به مرجعیت خواص برای عوام و تأثیرپذیری گروه پیرو از پیشرو، توجه به عملکرد و نوع تفکر این دو دسته در انعقاد و شکل‌گیری فرایندهای تاریخی و سیاسی، امری حایز اهمیت خواهد بود؛ زیرا نوع عملکرد آنهاست که می‌تواند جامعه و حتی تاریخ را سعادتمند کرده و یا به تباهی و انهدام بکشاند. لذا عنصر اصلی در این امر، خواص هستند. دسته‌بندی مدل رفتار اجتماعی و سیاسی نخبگان و خواص سیاسی با توجه به نگرش‌ها، عقاید و روحیات و انگیزه‌های آن (بر اساس ادبیات دینی) موضوع پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی

نخبگان سیاسی، خواص، جامعه‌شناسی سیاسی خواص، ریزش، رویش.

مقدمه

تأمل در حوادث صدر اسلام و نیز عصر جمهوری اسلامی بیانگر آن است که همواره امت اسلام از

*. عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی.

** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی. ui_cut@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ???

تاریخ دریافت: ???

درون خود، ضربات سنگین و جبران‌ناپذیری خورده است که اصلی‌ترین علت آن، کوتاهی «خواص اهل حق»، «ضعف در بصیرت» و «عدم شجاعت لازم» آنان در مواجهه با «جبهه باطل» بوده است. حوادث تلخ پس از رحلت حضرت پیغمبر ﷺ که منجر به تحقق عظیم‌ترین ظلم تاریخ یعنی تحریف خلافت از مسیر اصلی خود و موجب پیدایی اختلاف مسلمین و مظلومیت و خانه‌نشینی شدن تنها گزینه الهی برای خلافت یعنی علی علیه السلام گردید را قبل از هر چیز باید متوجه عملکرد خواص حاضر در آن برهه دانست. همچنان که بزرگان و خواص اسلام در عصر حسینی از یاری امام خویش بازماندند و یا در نقطه مقابل او در سپاه یزید جنگیدند. به همین دلیل، شاید بررسی مقاطع مختلف تاریخ، نشان می‌دهد که بعضاً علما و خواص جامعه در مواجهه با فتنه‌ها و تحولات خطیر، به خطا رفته و به دلایل مختلف، مسیر تاریخ را به نادرستی عوض کرده و باعث وارد شدن صدمات و لطمات جبران‌ناپذیری به پیکره امت اسلام و شریعت حقه الهیه شده است. لذا به جرأت می‌توان گفت که جبهه حق مهلک‌ترین ضربه‌ها را از نخبگان متحمل شده است.

انقلاب اسلامی ایران نیز در مسیر تکامل و رشد خود، با ریزش‌ها و پالایش‌های متعددی از خواص روبه‌رو بوده است که در آن خواص و جریان‌ات متأثر از آنها با تخطی و عدول از شاقول ولایت و قانون و شرع، از آن فاصله گرفته‌اند. لیبرال‌ها و ملی‌گراها اولین پالایش خواص و سپس بنی‌صدر و منافقین، جریان آیت‌الله منتظری، سکولارهای درون حاکمیت بعد از دوم خرداد و در نهایت فتنه خواص در انتخابات دهم ریاست جمهوری، چند پالایش عمده انقلاب اسلامی بوده است. در هر یک از این مراحل، با تبیین بیشتر آرمان‌های اسلامی، عده‌ای که برخی از ایده‌های نظری و عملی خود را حذف شده می‌دیدند، از انقلاب غربال و جدا شده‌اند. در این بین، نحوه تعامل نخبگان و خواص سیاسی با ولی فقیه به عنوان محور حرکت جامعه و رکن مشروعیت‌بخش نظام، در حکومت اسلامی از اهمیت دوچندانی برخوردار است. تاکنون پژوهش‌هایی درباره عملکرد عوام و خواص، عمدتاً با رویکردی توصیفی و تا حدی تحلیلی صورت گرفته، ولی از زاویه خاص مورد نظر پژوهش حاضر یعنی نحوه تعامل ولی فقیه و خواص در عصر جمهوری اسلامی، بحث‌های جدی ارائه نشده است. این نوشتار با توجه به شاخص‌های رفتاری خواص سیاسی به دسته‌بندی این قشر اجتماعی پرداخته است.

کلیات

۱. تعریف خواص

در یک تقسیم‌بندی کلی، جامعه انسانی از حیث قدرت، نفوذ و اثرگذاری بر دیگران و نیز تأثیرپذیری از ایشان به دو قطب تأثیرگذار و تأثیرپذیر و به دو گروه خواص و عوام، پیشرو و دنباله‌رو، تقسیم

می‌شود. در این میان، گروهی که تأثیرگذارند و در واقع، اقلیتی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، «خواص» و سایرین «عوام» نامیده می‌شوند. هر کدام از این دو گروه دارای تعریفی است که از افراد گروه دیگر متمایز می‌شود.

از لحاظ لغوی، واژه خواص جمع خاصه، به معنای چیزی است که به خود اختصاص می‌دهیم. خواص، مترادف با واژه «نخبه» یا «الیت» است که از ریشه لاتینی Eligere به معنی گزیدن گرفته شده است و به آنچه بهتر از دیگران و شایسته‌تر گزینش باشد اطلاق می‌شود.^۱ منظور از این واژه، هر فرد یا گروهی است که به دلایل مذهبی، اجتماعی و سیاسی از دیگران ممتاز شناخته می‌شود. خواص، سرآمدان، سرشناسان و نخبگان سیاسی^۲ اصطلاحاً به طبقه‌ای برگزیده از افراد جامعه گفته می‌شود که صاحب قدرت و نفوذ بوده و در تدوین و پیشبرد خط‌مشی دستگاه سیاسی به اشکال گوناگون تأثیر می‌گذارند. خواص یک جامعه، بزرگان و افراد صاحب نفوذ و دارای اعتباری هستند که قابلیت تأثیر در توده مردم را دارند. ویژگی‌های شخصی چون علم، تقوا و ویژگی‌های اجتماعی مانند نسب خانوادگی، جایگاه اجتماعی و ... از معیارهای متمایزکننده خواص از عوام در جوامع مختلف به شمار می‌رود.

۲. واژه خواص در ادبیات دینی

واژه خواص و مشتقات آن به معنای مورد نظر در این پژوهش، در ادبیات دینی - اسلامی ریشه‌دار است؛ در روایات این واژه در ابتدا در کلمات پیامبر ﷺ به کار رفته، آنجا که رو به سلمان فارسی رضی الله عنه کرد و فرمود: «تو از خواص برادران مؤمن ما هستی؛» (بی‌نا، ۱۴۰۹) در کلمات و نامه‌های حضرت امیر رضی الله عنه نیز این واژه دیده می‌شود؛ ایشان در نامه به مالک اشتر تصریح دارد که دنبال رضایت توده مردم باش؛ زیرا خشم آنها رضایت خواص و رضایت آنها خشم و نارضایتی خواص را بی‌اثر می‌سازد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) امام صادق رضی الله عنه اولیای الهی را از خواصی دانسته که مردم به آنان اقتدا می‌کنند؛ (برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۶۸) در گفتار منسوب به امام عصر رضی الله عنه در دیدار با علی بن مهزیار، حضرت در توصیف خواص شیعه، به مطابقت قول و عمل آنها تصریح می‌کند؛ (طبری، بی‌تا ب: ۲۹۷) حتی در مورد فرشتگان نیز این واژه به کار رفته و جناب جبرئیل امین، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل رضی الله عنهم از خواص فرشتگان محسوب گردیده‌اند؛ (بی‌نا، ۱۴۰۶: ۴۰۳)

در کتب رجالی از این واژه در توثیق افراد و بالاتر از توثیق، برای اشاره به قدر و منزلت راوی در

۱. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی.

2. Elits.

نزد امام معصوم علیه السلام به عنوان اینکه او از خواص و اصحاب سرّ امام معصوم علیه السلام است به وفور استفاده شده است؛ (طبری، بی تا الف) در کتاب‌های اخلاقی و عرفانی نیز از واژه خواص استفاده شده که مجالی برای ذکر آن در این نوشتار نیست.

در قرآن کریم از واژه‌های حواری (حواریین)؛ (آل عمران / ۵۲) اولوالعلم (عالمان ربانی)؛ عالمان اهل کتاب (آل عمران / ۲۳)، ملاً (نمل / ۳۸)، مترفان (ثروتمندان خوشگذران و مرفهان بی‌درد) (سبأ / ۳۴)، پیشوایان گمراهی (بقره / ۱۶۶) و مستکبران (اعراف / ۷۶) برای اشاره به مفهوم خواص استفاده شده است. همچنین در ادبیات دینی، واژه «بطانۀ» نیز مرادف با خاصه استعمال شده است. (نمل / ۳۸) «بطانۀ» به معنای آستر لباس و گاهی منظور از آن همراز و محرم اسرار می‌باشد.

۳. تعریف عوام

مفهوم «خواص» در ادبیات سیاسی اغلب در تقابل با مفهوم «عوام» به کار می‌رود به گونه‌ای که «خواص» به عنوان متغیری مستقل در تحولات و حوادث تاریخی و جامعه (در دو جبهه حق یا باطل) نقش دارند و «عوام» متغیری وابسته با ویژگی تبعیت از جو حاکم، دنباله رو خواص‌اند. واژه عوام جمع عامه است و عامه اسم جمع به معنای توده و عموم مردم است که گاه به معنای مردم فرومایه هم استعمال می‌شود، هر چند عوام الناس غالباً در مقابل خاصه الناس یا خواص به کار می‌رود.

۴. عوام و خواص در جامعه‌شناسی سیاسی

از دیدگاه جامعه‌شناختی، خواص، گروهی اجتماعی هستند که دیگران در ارزشیابی خود، آنها را ملاک و معیار قرار می‌دهند. در اعمال و رفتار خود از آنها الهام گرفته و رأی و دیدگاه آنها را مبنای داوری و عمل خود قرار می‌دهند. از این روی، به آنها گروه‌های مرجع یا داوری یا استنادی گفته می‌شود. خواص، رفتار و اعمال خود را بر اساس تحقیق و آگاهی انتخاب می‌کنند، جهت انتخاب مسیر و علت آن را می‌دانند، بر آن اساس مطالعه و تصمیم‌گیری می‌کنند و کمتر تابع تبلیغات هستند. این گروه در حقیقت، حوادث را خلق می‌کنند و دسته اول را مطابق میل خود وارد عمل می‌کنند. در اصطلاح جامعه‌شناسانه به این عمل (هنجار آوری) می‌گویند. اصولاً برخی از هنجارها^۱ و ارزش‌ها^۲ وارد گروه و جامعه می‌شوند و افراد بدون آنکه واقف باشند از آنها پیروی می‌کنند. (نوآورها) کسانی هستند که پدیده‌ها را وارد جامعه می‌کنند. به این افراد، خواص و گروه‌های مرجع^۳ می‌گویند که به

1. Norms.
2. Values.
3. Reference group.

عنوان الگو و تیپ ایده‌آل (نمونه آرمانی) مطرح‌اند.

افراد و گروه‌های دیگر در پی گروه‌های مرجع، ارزش‌ها و هنجارها را برای خود تنظیم و جذب می‌سازند. (از دیدگاه جامعه‌شناسانه به آنها گروه‌های مرجع می‌گویند که به عنوان تیپ و الگوی ایدئال مطرح هستند. گروه‌های دیگر بر اساس عملکرد آنها ارزش‌ها و هنجارهای خود را تنظیم و درونی می‌سازند. گروه‌های مرجع را گروه‌های داوری و گروه‌های استنادی نیز می‌گویند. (وشوقی و نیک‌خلق، ۱۳۹۱: ۲۰۹)

پارتو (۱۹۲۳ - ۱۸۴۸ م) نظریه‌پرداز تئوری نخبگان، جامعه را به دو طبقه عمده برگزیدگان و توده‌ها تقسیم می‌کند. خواص از دیدگاه پارتو به کسانی اطلاق می‌شود که توانسته‌اند در هر یک از شاخه‌های فعالیت بشری بالاترین نمره را به دست آورند. در نظام جامعه‌شناسی پارتو با طبقه تهی از نخبگان و طبقه نخبه‌ساز روبه‌رو می‌شویم. برای رسیدن به نقطه مطلوب آنچه در مرکز ثقل توجهات پارتو قرار می‌گیرد کشف چگونگی جریان یافتن و جابه‌جایی برگزیدگان بین دو طبقه عمده اجتماعی مهم است. هرچند خواص رئالیستی پارتو با خواص ایدئولوژیک جامعه اسلامی همخوانی ندارد اما در جهت کشف قوانین و سنت‌های حاکم بر رفتار انسان‌ها و جوامع حایز اهمیت است. بهره‌گیری از قوانین و سنت‌های حاکم بر جوامع در رشد و تعالی جوامع اسلامی نیز می‌تواند بسیار کارساز باشد؛ مثلاً پارتو تنها راه حفظ حکومت و تضمین سلامت آن را تأمین و تضمین روند (گردش خواص) در درون آن می‌داند؛ او می‌گوید: اگر این روند به هم بخورد، جامعه از این ناحیه صدمه می‌بیند و گروه حاکم از خواص نخواهد توانست از زور برای حفظ خود در مسند قدرت استفاده کند. اما از نظر اسلام، حکومت، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش است که با سازماندهی روند تحول فکری و عقیدتی و ... خود را به سوی هدف نهایی - که حرکت به سوی الله است - می‌گشاید. در حکومت اسلامی ساز و کار حفظ چنین گردش سالمی یک اصل سیاسی - اجتماعی است که به آن امر به معروف و نهی از منکر می‌گویند.

در جامعه اسلامی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است. رعایت این اصل در جامعه اسلامی می‌تواند روند درست و صحیح گردش نخبگان را تضمین کند. میزان تأثیرپذیری از خواص، به نوع اعضای جامعه (عوام) بستگی دارد؛ بعضی از افراد جامعه را «زودپذیرها»^۱ تشکیل می‌دهند. آنها کسانی هستند که از نظر ویژگی‌ها به نوآوران شباهت دارند و در پی کسب احترامند.

1. Early adopters.

گروه دیگر «اکثریت زود»^۱ هستند که عده نسبتاً زیادی از اعضای گروه یا جامعه را تشکیل می‌دهند که پدیده جدید را تشخیص می‌دهند و تقریباً خیلی زود از آن پیروی می‌کنند.

گروه دیگر «اکثریت دیر»^۲ هستند که شکاک و نسبتاً دیر باورند. آنها در پذیرش هنجارهای جدید تأمل می‌کنند و به کندی جلو می‌روند، اما با اندکی تأخیر هنجار جدید را می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند.

گروه دیگر نیز «دیرپذیرها»^۳ هستند که افرادی پایبند سنت‌ها هستند و مایل نیستند به آسانی به هنجارها و روش‌های جدید روی بیاورند.

لذا خواص در عوام تأثیر می‌گذارند و پیدایش صفت جدید که در آغاز جنبه فردی و اختصاصی دارد، رفته رفته تعمیم یافته، جزو صفات اساسی نوع قرار می‌گیرد؛ به طوری که فرد در قضاوت و در اعمال خود از آن الهام می‌گیرد و آن را مبنای داوری قرار می‌دهد. بنابراین، خصوصیت خواص این است که همواره بر عوام تأثیر می‌گذارند و صفتهای جدیدی که در آغاز جنبه فردی و اختصاصی دارد رفته رفته تعمیم داده، جزو صفتهای اساسی نوع قرار می‌گیرد.

در این نوشتار خواص و نخبگان سیاسی در مفهومی وسیع شامل فعالان، شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان برگزیده (به عنوان مثال، مسئولین و مقامات لشکری و کشوری، روحانیون و سرشناسان دینی، فعالان رسانه‌ای و ...) می‌شود که به گونه‌ای رسمی یا غیر رسمی در تولید و تدوین و اجرای سیاست‌های نظام سیاسی نقش دارند.

۵. ویژگی‌های خواص

نخبگان اجتماعی، اعم از نخبگان سنتی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک، توان ویژه‌ای در حفظ یا براندازی نظم موجود یا در انداختن طرح و سازمانی نو دارند و این توانایی از استعداد، درک و قدرت ویژه و خارق‌العاده آنها ناشی می‌شود. البته آنگاه که افراد نخبه حرکتی را آغاز کردند و راه نسبتاً هموار گردید، دیگران هم می‌توانند پشت سر آنها حرکت کنند و تأثیر به نسبت جزئی‌تر خود را در حرکت تاریخی جامعه بر جای گذارند. از این روست که بعضی از صاحب‌نظران، تاریخ را میدان عمل یا صحنه بازی نخبگان قلمداد کرده، در تحلیل خود از تحولات تاریخی، محور و کانون بحث و استدلال خود را به این گروه اختصاص داده‌اند. به نظر آنها تاریخ و تحولات آن را نوابغ به وجود می‌آورند؛

1. Early majority.
2. Late Majority.
3. Laggards.

تاریخ هر جامعه جلوه‌گاه شخصیت و نبوغ قهرمانان و نوابغ است و به عبارت دیگر، برخی شخصیت‌های ممتاز جلوه‌گاه تمام تاریخ یک جامعه‌اند. براساس این نظریه (نظریه قهرمانان)، تاریخ را - یعنی تحولات و تطورات تاریخ را - چه از نظر علمی و چه از نظر سیاسی یا اقتصادی یا حتی اخلاقی، نوابغ به وجود می‌آورند.

در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، درباره برگزیدگان، خواص اهل حق و شخصیت‌های برجسته اجتماع به طور عام ویژگی‌هایی ذکر شده است که عبارتند از:

۱. فهم و تجزیه و تحلیل؛ (عنکبوت / ۴۳)

۲. بصیرت؛ (عنکبوت / ۴۳)

۳. انتخابگری؛ (روم / ۷)

۴. جانبداری از حق؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۲)

۵. استقامت؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰)

انواع خواص

الگوی تقسیم‌بندی تعامل خواص با ولی امر و پیامبر و امام، تابع دوره‌ها و محورهای متعددی است. در مشهورترین دسته‌بندی، خواص در هر نظام سیاسی، در دو دسته کلی خواص «در نظام» و «بر نظام» و در حکومت اسلامی به تعبیر مقام معظم رهبری به دو بخش، خواص جبهه حق و خواص جبهه باطل، تقسیم می‌شوند. هر دو جبهه حق و ناحق دارای متفکران، محققان و تحلیل‌گرانی هستند که عوام آن جامعه را به دنبال خود حرکت می‌دهند. خواص حق نیز در مقابل مظاهر دنیوی یا پایبند به حقند و یا روی گردان از حق. بدیهی است هر یک از این اقسام می‌تواند در پیدایش و عدم پیدایش فرایندهای تاریخی، اجتماعی و سیاسی مؤثر باشد و در نتیجه، جامعه را به صلاح و یا فساد بکشاند. طبق این دسته‌بندی کلان، خواص جبهه حق و باطل هر یک دارای دسته‌بندی‌ها و طیف‌های خردتر و جزئی‌تری نیز هستند.

همچنان که در صلوات شعبانیه داریم «المتقدم عنهم مارق و المتأخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق؛ پیش‌افتاده از آنها از دین خارج است و عقب‌مانده از آنان نابود است و همراه آنان ملحق به حق است»، توده و خواص، بر اساس «نحوه و میزان تبعیت و اطاعت‌پذیری از ولی زمان»، علاوه بر معاندین ذاتی «خواص عداوتی» خود به سه طیف کلی ملازمین «همراهان»، متقدمین «جلوافتادگان» و متأخرین «عقب‌ماندگان» قابل تفکیک است.

مقام معظم رهبری خواص طرفدار حق را در تقسیم‌بندی کلی‌تری، بر مبنای دنیاطلبی و پایداری

و استقامت در اعتقادات، شامل دو دسته خواص اهل استقامت و خواص ناپایدار (شککنده) دانسته‌اند. اول، خواصی که پس از شناخت راه، تا آخر مقاومت می‌کنند و سیل حوادث و رویدادها در اراده‌شان خلل و رخنه‌ای ایجاد نمی‌کند و گروه دوم عده‌ای که پایداری لازم را ندارند و به مرور ایام در جریان‌های دیگر هضم می‌شوند.

لذا ملازمین در تقسیم‌بندی جزئی‌تری بر مبنای انگیزه‌ها و نوع همراهی و تبعیت خود از ولی به دو گروه قابل تقسیم‌اند:

یک. ملازمین اهل استقامت

خواص اهل استقامت دارای سه شاخصه مهم استقامت هستند. این گروه، هم دارای «رابطه مودتی و ایمانی با ولی»، هم واجد «قدرت تشخیص» و هم برخوردار از «خطرپذیری و فداکاری برای ولی» هستند. این دسته از یاران و خواص ولی، دارای بیشترین قرابت فکری و عملی با رهبر دینی زمان خویش هستند و در فتنه‌ها و تحولات حساس، از زیر بار آزمایشات سربلند بیرون می‌آیند. این ملازمین کسانی هستند که عقلاً و قلباً ولی را حمایت و تبعیت می‌کنند. نمونه بارز این دسته از ملازمین، یاران فداکار امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا هستند.

دو. ملازمین شککنده

این دسته از ملازمین، نه بر اساس ایمان و خلوص درونی و اعتقاد به تبعیت الهی از ولی امر، بلکه بر اساس شرایط و مقتضیات فردی و اجتماعی و سیاسی، از همراهان ولی به شمار می‌روند. جدا از انگیزه، رویکرد رفتاری و شیوه عمل خواص اهل حق نیز آنها را به انواع متفاوتی تقسیم می‌کند. الف) ملازمین متقاعد: این گروه از خواص، علیرغم سوابق درخشان در اردوگاه حق، نوعی حمایت و تبعیت مشروط از ولی دارند و تنها عقلاً و منطقاً (و در عصر جمهوری اسلامی بر مبنای قانون اساسی) تابع رهبر دینی هستند. تبعیت این دسته از ولی، گاه «رفاقتی» و «خودمرجعتی» و بر مبنای برابر و هم‌عرض دانستن خود با ولی است. نمونه این گونه از خواص، سلیمان بن صرد خزاعی و حجر بن عدی هستند که علی‌رغم حب و پیروی از اهل‌بیت، پس از صلح امام حسن علیه السلام با معاویه، اجتهاد خود را برتر از امام دانستند و با نپذیرفتن فرمان امام، ایشان را «یا مذل المومنین» خطاب کردند.

ب) ملازمین عامی (بی‌بصیرت): این دسته از خواص اهل حق نیز جزء همراهان ولی محسوب می‌شوند اما نه بر اساس تمایلات مادی و دنیوی، بلکه بر اساس عدم شناخت و بی‌بصیرتی، جهل، عدم درک شرایط و موقعیت شناسی ممکن است در شرایط خاص و بحرانی، از همراهی با رهبر جامعه باز مانند. همچنین، منظور از ملازمین عامی، عوام مردم نیستند، بلکه منظور خواص و زعمایی هستند

که در وقایع و تحولات از قدرت تشخیص برخوردار نیستند و دارای فهمی ساده‌انگارانه و سطحی از وقایع هستند. توابین، می‌توانند مصداق این دسته از خواص باشد که علی‌رغم حب به اهل بیت با نسجیدن موقعیت و عدم درک شرایط از همراهی با امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا بازماندند.

ج) ملازمین متوقع و دنیاطلب: آن دسته از همراهان هستند که در ظاهر با ولی و همراه وی هستند و در صورت تغییر مناسبات، به سهولت قابلیت تغییر وفاداری دارند. انگیزه اصلی این دسته از خواص، در پیروی از ولی دینی، تأمین دنیا و منافع مادی است. بسیاری از این دسته از خواص کسانی هستند که حامیان شریک قدرت هستند و در اثر از دست دادن مقام، ثروت و موقعیت و در کل «توقعات» خود، در نقاط حساس و سرنوشت‌ساز به جبهه باطل، عدول کرده‌اند. طلحه و زبیر در عصر خلفا از این دسته به حساب می‌آیند که در حکومت علوی، با مایوس شدن از مقام و ریاست، به جنگ با امام روی آوردند.

طبق تقسیم‌بندی دیگری در عصر جمهوری اسلامی، خواص طرفدار حق بر اساس تعریف و برداشت خود از مفهوم «ولایت» نیز به خواص دارای دیدگاه «حقوقی» به ولی فقیه و خواص دارای دیدگاه «فقهی - عرفانی» قابل تفکیک هستند. بدین معنا که خواص حقوقی، معتقد به تبعیت از ولی فقیه در چارچوب قانون اساسی، فارغ از اعتقادات و باورهای دینی و اعتقادی‌اند و خواص دارای دیدگاه فقهی عرفانی، مفهوم ولایت را فراتر از این دانسته و ولی فقیه را نه صرفاً راهنمای جامعه بلکه راهنمای دنیا و آخرت خود تلقی می‌کنند. می‌توان دیدگاه حقوقی را منطبق با خواص متقاعد و خواص با دیدگاه فقهی - عرفانی را مطابق با خواص اهل استقامت برشمرد.

در یک دسته‌بندی دیگر، خواص اردوگاه حق، بر مبنای نوع اطاعت‌پذیری و شناخت خود از ولی، به دو طیف خواص سرباز و شاگرد قابل تفکیک‌اند. این دسته‌بندی از خواص، به ویژه در زمان ائمه‌ای که دارای شأن حکومتی نبوده و تنها به تربیت شاگردان می‌پرداختند، قابل تشخیص است. خواص دوره امام باقر و امام صادق علیهما السلام از این جمله‌اند.

رفتارشناسی ملازمین شکونده

به لحاظ «رفتارشناسی» همراهی یا عدم همراهی با رهبری ملازمین ناپایدار، بسته به شرایط و اقتضائات، صورت‌بندی‌های گوناگونی پیدا می‌کند و محدود به «مخالفت آشکار» نیست. به طوری که عدم همراهی، طیفی از رفتارها از سکوت، مواضع دو پهلو و غیر شفاف و گاهی عدم همراهی عملی در حین بیان ظاهری در برابر برخی مناسبات و پدیده‌ها را نشان داده‌اند. مخالفت آشکار و رو در رویی علنی با ولی، حد نهایی رفتار معارضانه خواص ناپایدار است که آنها

را علناً به جبهه باطل الصاق می‌کند. اگرچه سایر شکل‌های عدم همراهی نیز، گاه در طول تاریخ، خواص ناپایدار را جزئی از جبهه باطل محسوب کرده است. لذا متأخرین (قاعدین) و متقدمین (اهل افراط و تفریط) از هر کدام از این سه گروه، سربرآورده‌اند و جزء خواص باطل قرار گرفته‌اند.

بنابراین، اردوگاه باطل نیز در دسته‌بندی خردتری به دو طیف خواص همواره عداوتی و خواص ابتدائاً حق (متقدمین از حق و متأخرین از حق) قابل تقسیم است. این دو طیف از خواص کسانی هستند که یا به جنگ و معارضه علیه ولی کشیده شده و عملاً در مقابل او شمشیر کشیده‌اند و یا با سکوت و سکون خود عملاً به سود جبهه باطل کوشیده‌اند. سعد بن ابی وقاص، مشهورترین نمونه‌ای است که با تأخیر از پذیرفتن حق، شاخص متأخرین و قاعدین در عصر علوی است. طلحه و زبیر نیز از این جمله‌اند؛ خواصی که با نگاه رقابتی و هم‌عرض دیدن خود با امیرالمومنین، سرانجام سر از اردوگاه باطل درآوردند و به تعارض علنی با امام کشیده شده‌اند.

خواص در عصر جمهوری اسلامی

تعامل خواص در عصر جمهوری اسلامی نیز تابع الگوی خواص در صدر اسلام (شامل پایدار و ناپایدار (متوقعین، متقاعدین، خواص عامی و یا ترکیبی از آنها) بوده که بعضاً به سطح اجتماعی کشیده شده و مسبب فتنه‌های چند ماهه یا حتی چند ساله گردیده است.

همچنین تطبیق مصداق‌ها بر الگوی انواع خواص، با استفاده از نص صریح ولی فقیه در خصوص استقامت یا ناپایداری خواص نظام اسلامی (ساده‌لوحی و بی‌بصیرتی، دنیاطلبی، یا غرور و تقاعد آنها) صورت‌بندی شده است.

۱. خواص در دوره زعامت حضرت امام خمینی علیه السلام

تعامل خواص و نخبگان سیاسی با ولایت امام خمینی علیه السلام خود به دو دوره قبل از انقلاب و پس از پیروزی انقلاب اسلامی قابل تفکیک است. در تحول تاریخ‌ساز پیدایش، استمرار و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خواص جبهه حق به رهبری امام خمینی علیه السلام و خواص مبارز، نقش اصلی را بر عهده داشته‌اند. اقدام به موقع، تشخیص درست، موضع‌گیری بجا، بصیرت و تحلیل صحیح آنان با نقش تکمیلی و متمم مردم، بنیاد رژیم ۲۵۰۰ ساله را بر افکند و در عرصه رقابت خواص مختلف اعم از مارکسیستی، ملی، لیبرال و التقاطی، خواص اسلامی را به قدرت رساند.

پس از انقلاب اسلامی نیز، همراهی و تولای خواص اهل حق، یاریگر امام علیه السلام در گرده‌های دشوار فتنه‌های داخلی و خارجی بوده است. شهید آیت‌الله دستغیب، شهید مطهری، شهید آیت‌الله مدنی،

شهید عراقی، حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی، شهید چمران و شهید آیت‌الله سعیدی از این دست از خواص اهل استقامت در عصر حضرت امام‌فدائیه به شمار می‌روند.

شیوه تعامل خواص متقاعد با رهبر کبیر انقلاب تابع ممشای خودمرجع بینانه بوده است. این دست از خواص، با هم عرض پنداشتن تشخیص خود با تشخیص حضرت امام، امام‌فدائیه را نه به عنوان ولی فقیه و نایب امام عصر^{علیه‌السلام}، بلکه به مثابه حاکمی در چارچوب قانون اساسی نگریسته و می‌نگرند. سیر التزام آنها به رهبری حضرت امام، بسته به اقتضائات طیفی از همراهی مصلحت‌آمیز تا مخالفت آشکار را در بر می‌گیرد. به عنوان نمونه، از مهم‌ترین خواص متقاعد در دوره حضرت امام‌فدائیه می‌توان از چهره‌های لیبرال و برخی مراجع و خواص روحانی نام برد که از شخصیتی با همراهی احترام‌آمیز در برابر امام همچون آیت‌الله خوئی^{علیه‌السلام} تا مرجع تقلیدی همچون آیت‌الله شریعتمداری و اعضای افراطی نهضت آزادی با مخالفت آشکار با ایشان را شامل می‌شود.

چنان‌که ذکر شد، مهم‌ترین شاخصه خواص عامی و بی‌بصیرت، تشخیص اشتباه و شناخت ناصحیح از شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی است. مقدس‌مآبان، مخالفان فلسفه و عرفان در حوزه‌های علمیه، جریان حجتیه و نیز جریان‌های مذهبی مخالف ورود دین در سیاست و در نهایت، خواص ساده‌لوح و فاقد قدرت تشخیص زمان و موقعیت همچون آقای منتظری، از مهم‌ترین نحله‌های خواص ظاهراً در مسیر حق است که به تناسب اقتضائات و شرایط، گاه بدترین ضربات را به اسلام و نهضت حضرت امام‌فدائیه وارد آورده‌اند و از همین روست که رهبر کبیر انقلاب، پرسوزترین و کوبنده‌ترین مواضع را در قبال این گروه از خواص فاقد قدرت تشخیص به ویژه «متحجرین» به کار برده‌اند.

از جمله در سوم اسفندماه سال ۱۳۶۷، امام خمینی^{علیه‌السلام} در پیامی مبسوط به حوزه‌های علمیه که «منشور روحانیت» نامیده شد، تندترین جملات و واژه «اسلام آمریکایی» را که تا آن روز درباره دشمنان خارجی و رژیم‌های وابسته منطقه به کار می‌بردند، متوجه گروهی ساختند که بعدها براساس همین پیام، به «متحجرین» مشهور گشتند. از دیدگاه بنیانگذار انقلاب، مصداق این واژه قشری است که ریشه در تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام دارد. ایشان در پیام مذکور می‌نویسند: «در قرن معاصر وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ تقویت گردید. اولین و مهم‌ترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت، تا اندازه‌ای کارگر شده است». از دیدگاه امام راحل، متحجرین گروهی از روحانیت و اقشار مقدس بودند که در دوران حکومت رژیم سلطنتی، ویژگی مشترک آنها مخالفت با مبارزه علیه رژیم و اعتقاد به جدایی دین از سیاست بود. این جریان که به گواهی امام‌فدائیه، غالب بر حوزه‌های علمیه در دوران معاصر بوده است، خود دارای طیف‌های متفاوتی می‌باشد.

ملازمین و همراهان شریک قدرت و یا متوقعین، دیگر نحله از خواص ناپایدار در عصر جمهوری اسلامی هستند که انقلاب اسلامی فتنه‌ها و اغتشاش‌های آفرینی‌های این گروه را نیز به چشم دیده است. طالبان مقام و جاه و دنیاپرستان زیاده‌خواهی که عطش قدرت سیری‌ناپذیر آنها، بارها خودشان و انقلاب را با مخاطراتی بزرگ روبه‌رو ساخته است. بنی صدر مهم‌ترین نماد این قشر از خواص در دوره حضرت امام محسوب می‌شود.

۲. خواص در عصر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

چنان‌که ذکر شد، ویژگی‌های منحصر به فرد امام‌مؤید^ع که از نظر فکری و سیاسی و علمی بالاترین مرجعیت را داشت و از نظر پایگاه مردمی، پرقدرت‌ترین و نافذترین موقعیت را داشت و از نظر سوابق و نقش‌آفرینی در خود پیروزی انقلاب اسلامی یکتا و بی‌همتا بود و از نظر نقش در صیانت از حفظ و تداوم انقلاب با دیگران قابل مقایسه نیست نیز نتوانست مانع برخی روابط چالشی خواص با ایشان شود. «بازرگان و دولت موقت»، «جریان بنی صدر»، «جریان شریعتمداری (کاظم)» و «جریان منتظری» از مهم‌ترین نمونه‌های این روابط پرچالش بین امام و خواص دوران خود بود که اتفاقاً از شمولیت نوع نخبگان روحانی و حوزوی و سیاسی و ... برخوردار است. افزون بر آن، چالش خواص ناپایدار با مقام معظم رهبری نسبت به دوره امام‌مؤید^ع به دلایل زیادی تشدید شده است که حوادث سال ۸۸ نمونه و اوج آن است.

خواص بصیر و صبور جامعه، در این دوره کسانی بوده‌اند که خطمشی رهبری نظام را فهم کرده، در آن مسیر حرکت نمودند و هر جا که صحنه را غبارآلود دیدند و دچار ابهام شدند از رهبری تبعیت کرده‌اند. این دسته از خواص نه دچار افراط نه به ورطه تفریط گرفتار شده‌اند. مهم‌ترین مصادیق این خواص، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله خزعلی، آیت‌الله مهدوی کنی و .. هستند که رهبر انقلاب در خصوص استقامت و بصیرت آنها صراحتاً صحبت کرده‌اند.

انتخابات دهم ریاست جمهوری با همه حواشی حامل یک واقعه مهم بود و آن صف‌بندی برخی خواص ناپایدار در مقابل آرمان‌های انقلاب و اصل انقلاب بود که با شکستن چارچوب‌های قانونی با طرح توهم تقلب، صورت گرفت. پس از این انتخابات، فتنه علیه اصل نظام صورت‌بندی و تقسیم‌بندی‌هایی نظیر چپ و راست، اصول‌گرا و اصلاح‌طلب و ... شکسته شد. این میدان تمرینی بود که عوام با قدرت طی کردند و برخی خواص بی‌بصیرت با کرختی و عافیت‌طلبی وارد آن نشدند.

اما موضع‌گیری‌های خواص ناپایدار در فتنه ۸۸ را باید در چند دسته طبقه‌بندی کرد: خواصی که گفته‌هایشان بر ضد جریان فتنه، کلی و رقیق بود؛ خواصی که با سکوت و یا همراهی لفظی بدون

التزام عملی جزء ساکتین و متأخرین قرار گرفتند، خواصی که از فتنه و فتنه‌گران حمایت صریح یا ضمنی کردند؛ خواصی که مواضع دوگانه و دوپهلوی برگرفتند تا بهای صراحت و شفافیت را نپردازند؛ و سرانجام عده‌ای که رسماً و علناً با ایستادن در برابر نظام، به اردوگاه فتنه پیوستند.

خواص عامی کسانی بوده‌اند که با سوء تدبیر نتوانستند تغییر شرایط (براندازانه شدن تحولات و سقوط سیاسی نخبگان سابقاً انقلابی) را درک و هضم کنند. این عده با وجود آنکه دچار مسئله کلیدی یعنی خروج از نظام نشده بودند و حتی بعضاً انتقاداتی را چه قبل و چه بعد از انتخابات خطاب به فتنه‌گران انجام داده بودند، اما با وزن یکسان دادن به اشتباهات دو طرف و با بزرگ کردن اشتباهات و یا سوء تدبیرها تا حد خود فتنه، در شرایطی که دشمن همه توان خویش را علیه نظام بسیج کرده بود فضایی را رقم زدند که انتقادات آنها پازل دشمن را تکمیل‌تر نمود. انتقاداتی که می‌توانست با اصلاح در روش به اصلاح نظام بینجامد اما بازپچه فتنه‌گران شد.

عقب‌مانده‌ها و متأخرین (خواص با ضعف بصیرت) در تحلیل صحنه دچار اشتباه شدند. آنان یا از ابتدا بر خطر جنگ نرم واقف نبودند یا فتنه را کوچک شمردند. برای این دسته از خواص تصور اینکه فتنه پس از انتخابات ماهیتی انتخاباتی و جناح‌گرایانه ندارد قابل باور نبود. از این رو، آنها به جای دیدن تقابل انقلاب و ضد انقلاب، به دلیل اختلافات سیاسی احتمالی با رئیس‌جمهور، گناه اصلی فتنه‌گران، یعنی ظلم در حق رأی مردم را ندیدند یا معادل و هم‌سنگ خطاهای ساختاری نظیر حادثه کهریزک قلمداد کردند.

همچنین، افزون بر عقب‌مانده‌ها و متأخرین، تندروها و متقدمین نیز سوی دیگر طیف خواص عامی و بی‌بصیرت در فتنه ۸۸ را تشکیل می‌دهند. متقدمین در فتنه (خواص با ضعف صبر)، با اینکه بصیرت لازم برای درک صحیح فتنه را داشتند، چه بسا از سر دلسوزی با تندروی قبل از تکمیل فرآیند روشنگری و از همان ابتدا با سردادن شعار دستگیری و حتی اعدام سران فتنه به دنبال فیصله دادن قائله بودند. البته صبر علی‌گونه رهبر معظم انقلاب فرصت داد تا برخی از این خواص جزء خواص بی‌بصیرت نمانند. ایشان که فقط نیمی از دوگانه صبر و بصیرت را گرفته بودند، رفتار موقرانه و همراه با طمأنینه و هشیاری نظام در باب برخورد با سران و بدنه فتنه، بعد از ۹ دی و خصوصاً بعد از غائله ۲۵ بهمن ۸۹ پاسخی به افراط و تندروی این دسته از خواص محسوب می‌شود.

از سویی، یکی از ابعاد برجسته فتنه ۸۸ حمله همه‌جانبه به رکن اساسی ولایت فقیه و عمود نظام اسلامی توسط خواص ابتدائاً حقی بود که در گذر زمان به مخالفت آشکار با ولی فقیه پرداختند. میدان فتنه ۸۸ و حمله همه‌جانبه دشمن برای تحقق فتنه عمیق، یکی از مهم‌ترین صحنه‌های شفاف‌سازی خواص متوقع و متقاعد بود که از صدر انقلاب، سیر تحولات سیاسی، نیات درونی پنهان آنها را افشا

کرد. در این انتخابات، مردود شدن جمع کثیری از نخبگان با بازی در پازل دشمن در قالب بازوی فتنه یا سکوت مبارزه سابقاً «در نظام» آنها را به مبارزه‌ای «بر نظام» و براندازانه میدل ساخت.

نتیجه

از مهم‌ترین عوامل انحطاط جامعه و افول نهضت‌های بزرگ، انحراف و زاویه‌گرفتن خواص و نخبگان جامعه از رهبری الهی و صراط مستقیم است و آنچه زمینه را برای سوء استفاده آنان آماده می‌کند جهل و بی‌بصیرتی مردم، دنیاطلبی و هواپرستی و نفاق و فقدان ایمان واقعی در آنهاست.

انقلاب اسلامی ایران نیز در مسیر تکامل و رشد خود، با ریزش‌ها و پالایش‌های متعددی از خواص روبه‌رو بوده است که در آن خواص و جریانات متأثر از آنها با تخطی و عدول از شاقول ولایت و قانون و شرع، از آن فاصله گرفته‌اند. لیبرال‌ها و ملی‌گراها اولین پالایش خواص، و سپس بنی صدر و منافقین، جریان انحرافی بیت‌آیت‌الله منتظری، سکولارهای درون حاکمیت بعد از دوم خرداد و در نهایت نفاق جدید پس از حوادث انتخابات دهم، چند پالایش عمده این انقلاب مقدس بوده است. در هر یک از این مراحل، با تبیین بیشتر آرمان‌های اسلامی، عده‌ای که برخی از ایده‌های نظری و عملی خود را حذف شده می‌دیدند، از انقلاب غربال و جدا شده‌اند.

لذا در حکومت اسلامی، نحوه تعامل نخبگان و خواص سیاسی با ولی فقیه به عنوان محور حرکت جامعه و رکن مشروعیت‌بخش نظام، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. بیانات و سیره حضرت امام علیه السلام و نیز مقام معظم رهبری بهترین منبع شناخت وظایف، علل ناپایداری‌ها، پیامدهای تزلزل و لغزش آنها و راهکارهای پیشگیری کننده و علاج‌دهنده آن است.

دنیازدگی و عدم مراقبت از نفس به عنوان اصلی‌ترین علت ناپایداری و زاویه‌گرفتن خواص، محور اندیشه سیاسی ولی فقیه در عصر جمهوری اسلامی بوده است و لذا بیانات حضرت امام علیه السلام و نیز مقام معظم رهبری، کراراً ناظر به ضرورت خودسازی، جهاد اکبر، مراقبت از نفس و تقوای فردی بوده است. شیوه تعامل رهبری با خواص ناپایدار نیز تابعی از مشی گام به گام «تبیین و روشن‌گری و جلوگیری از کژروی‌ها»، «نصیحت و مدارا با خواص زاویه‌گرفته»، «برخورد قانونی با خواص معاند» و نیز «تلاش برای اصلاح و بازگشت آنان با پایان یافتن فتنه خواص منحرف» بوده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، دارالهجرة.

۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمن، ۱۴۰۸ ق، *تاریخ ابن‌خلدون*، بیروت، دار الفکر، چ ۲.
۴. ابن‌طیفور، احمد بن طاهر، بی تا، *بلاغات النساء*، قم، انتشارات شریف رضی.
۵. ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، *الاستیعاب فی معرفة الصحابة*، دارالجيل، بیروت، چ ۱.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ ق، *المحاسن*، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۷. البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، ۱۴۱۷ ق، *انساب الاشراف*، بیروت، دار الفکر.
۸. بی نا، ۱۴۰۶ ق، *فقه الرضا*، منسوب به امام رضا علیه السلام، مشهد، کنگره امام رضا علیه السلام.
۹. بی نا، ۱۴۰۹ ق، *تفسیر الامام العسکری*، منسوب به امام حسن عسکری، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۱۰. بیرو، آلن، ۱۳۸۰، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چ ۴.
۱۱. تمیمی سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور، ۱۳۸۲ ق، *دائرة المعارف العثمانیه*، حیدرآبادکن هند، بی نا.
۱۲. دمشق، اسماعیل بن عمر بن کنیر، ۱۳۵۱ ق، *البداية و النهاية*، مصر، مكتبة السعادة.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، بی تا الف، *تاریخ الامم و الملوك (تاریخ الطبری)*، بیروت، روائع التراث العربی.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، بی تا ب، *دلائل الامامة*، قم، دارالوفاء للمطبوعات.
۱۵. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، ۱۴۱۲ ق، *الاصابة فی تمييز الصحابه*، بیروت، دارالجيل، چ ۱.
۱۶. وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق، ۱۳۹۱، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران، نشر بهینه، ویرایش اول، چ ۲۲.

